

فصل دوم



سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم
(دوره‌بازگشت و بیداری)

درس چهارم

اختیارات شاعری (۱): زبانی

درس پنجم

لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

درس ششم

* کارگاه تحلیل فصل



درس چهارم

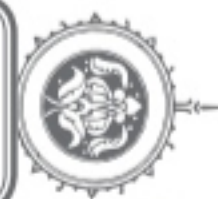
سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیدار)

چنان که خواندیم، سبک بازگشت تغییر و تحول چندانی در شیوه‌ها و ویژگی‌های سخن به وجود نیاورد. بلکه بازگشتی به دوره‌های خراسانی و عراقی بود. از آنجا که ویژگی‌های این دو سبک در پایه‌های دهم و یازدهم بیان شده است در اینجا به بررسی سبک دوره بیداری می‌پردازیم.

الف) سبک شعر

■ سطح زبانی

سادگی و روانی از بارزترین شاخصه‌های زبان شعر عصر بیداری است. شعر این دوره به دلیل موقعیت اجتماعی و انقلابی، برای عامه مردم قابل فهم است. توجه به مردم و استفاده از شعر برای آگاه‌سازی آنان در این دوره، سبب شده بود که شاعران شعر را متناسب با زبان و فهم مردم عادی، محاوره‌ای بیان کنند. شعر در این دوره عمومیت یافت و به عنوان زبان برنده نهضت در اختیار روزنامه‌ها قرار گرفت. گروهی مانند ملک‌الشعرا بهار و ادیب‌الممالک فراهانی با آگاهی از سنت‌های ادبی به زبان پر صلابت گذشته وفادار ماندند و گروهی دیگر به زبان ساده و صمیمی کوچه و بازار روی آوردند و از واژه‌ها و





اصطلاحات موسیقی عامیانه و حتی واژه‌های فرنگی بهره بردند؛ سید اشرف‌الدین گیلانی و عارف قزوینی از این دسته‌اند.

در شعر برخی از شاعران این دوره توجه به واژگان کهن مشاهده می‌شود. کاربرد واژه‌هایی مثل بادافره، خلیدن، گلخن و... از این دست هستند.

دایره واژگانی شعر علاوه بر آنچه در گذشته بود، با توجه به ارتباط با اروپا و ظهور علوم و فنون جدید، گسترش یافت و بسیاری از واژه‌های نو و فرنگی از جمله واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی، روسی، فرانسوی و ترکی وارد شعر شد.

یکی دیگر از ویژگی‌های زبانی، کم‌توجهی کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌های زبانی در شعر دوره بیداری است که عوامل زیر در آن نقش داشته‌اند:

۱. اغلب شاعران صرفاً به محتوا گرایش داشتند؛

۲. برخی شاعران تسلط کافی برای ادبیات کهن نداشتند؛

۳. شاعران برای آگاه‌سازی مردم و انتشار آثار در روزنامه‌ها ناگزیر بودند به شتاب شعر بسرایند.

■ سطح ادبی

قالب‌های شعری در عصر بیداری کم و بیش مانند گذشته ادامه یافت و تغییر چندانی نداشت. توجه به قالب‌های قصیده و مثنوی در شعر ملک‌الشعرا بهار و ادیب‌الممالک فراهانی بیشتر است؛ اما دیگر شاعران این دوره که به زبان مردم کوچه و بازار شعر می‌گفتند، به قالب‌هایی مثل مستزاد و چهارپاره و نیز سرودن ترانه و تصنیف رغبت بیشتری داشتند. این گرایش به قالب‌های کم‌کاربرد یا نوین به تدریج زمینه را برای ظهور شعر نو فراهم کرد.

شاعرانی که بیشتر به زبان مردم عادی شعر می‌گفتند، به آرایه‌های بیانی و بدیعی و سنت‌های ادبی کمتر پایبند بودند و شعر را وسیله‌ای برای بیان مقاصد خود می‌دانستند.

شاعران دوره بیداری تخیلات سراینده‌گان پیشین را در نظر داشتند و گاه با تأثیرپذیری از اوضاع اجتماع نوآوری‌هایی در عرصه تخیل پدید آوردند. نمونه این تخیلات را در پاره‌ای از اشعار میرزاده عشقی می‌توان دید.

از نظر موسیقی و عروض نیز گروه سنت‌گرا بسیار پایبند به سنت‌های ادبی بودند؛ اما گروهی که مطابق زبان کوچه و بازار شعر می‌سرودند، پایبندی و التزام کمتری به آن داشتند.



■ سطح فکری

شعر مشروطه همراه با تغییرات زمانه از نظر درون مایه نیز تحول چشمگیری داشت و به موازات حضور مردم در سیاست و اجتماع، مضامین و اندیشه‌های تازه به شعر وارد شد. نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون تغییر یافت و از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد. مضامین کلی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه‌سرایی و غزل‌گویی که با ساخت فرهنگ و جامعه گذشته ما هماهنگ بود، تا حد زیادی کارایی خود را از دست داد و مضامین سیاسی، اجتماعی و وطنی رونق یافت. شاخص‌ترین درون مایه‌های شعر عصر بیداری عبارت‌اند از:

آزادی: مفهوم آزادی در شعر این دوره، مترادف با مفهوم دموکراسی غربی است و مبین این معناست که مردم علاوه بر اینکه حقوق و آزادی‌های فردی دارند، در جامعه و سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود نیز دارای حق و اختیار هستند.

وطن: وطن به عنوان سرزمینی که مردمی با مشترکات قومی، فرهنگی و زبانی در آن زندگی می‌کنند، در این دوره وارد شعر و ادبیات فارسی شد و بسیار مورد توجه بزرگانی مانند ملک‌الشعرا بهار، علامه دهخدا و ادیب‌الممالک فراهانی قرار گرفت.

قانون: بر پایه مشاهداتی که اروپا رفتگان و روشن‌فکران از ملل متمدن و قانونمند داشتند، مضمون قانون و قانون‌مداری در سخن شاعران و نویسندگان راه یافت و بنیادی‌ترین تفکر و خواست مشروطه خواهان گردید.

تعلیم و تربیت جدید: با ظهور مطبوعات و گسترش آن در جامعه، آگاهی همگانی افزایش یافت و لزوم تعلیم و تربیت عمومی با نگاه جدید آن، مورد توجه مردم قرار گرفت. شاعران نیز به این موضوع توجه کامل داشتند.

توجه به مردم: از بارزترین ویژگی‌های ادبیات دوره بیداری توجه به مردم است. شاعران در این دوره به انعکاس خواست‌ها و علایق توده مردم پرداختند. نیازها و کاستی‌های محرومان جامعه را موضوع سخن خود قرار دادند و به دفاع از کارگران و ضعیفان توجه داشتند. ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی از شاخص‌ترین شاعران این حوزه‌اند. همچنین جایگاه زنان در اجتماع نیز مورد توجه شاعران عصر بیداری قرار گرفت.



دانش‌ها و فنون نوین: ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، موجب توجه به دانش‌ها و فنون جدید شد و در کنار دیگر روشن‌فکران، شاعران هم به این موضوع پرداختند و مضامین و اصطلاحات و واژگان مربوط به آن، در سخنشان فراوان به چشم می‌خورد.

این ویژگی‌ها را در شعر زیر می‌توان یافت:

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی،	دست خود ز جان شستم از برای آزادی
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را	می‌دوم به پای سر در قفای آزادی
در محیط طوفان زامهرانه در جنگ است	ناخدای استبداد با خدای آزادی
دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین	می‌توان تو را گفتن پیشوای آزادی
فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل	دل نثار استقلال جان فدای آزادی

فرخی یزدی

ب) سبک نثر

از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا پدید آمدن مشروطیت نثر فارسی که از زمان قائم مقام فراهانی تا حدودی از پیچیدگی فاصله گرفته بود، به سمت سادگی و روانی پیش رفت و لغات دشوار در آن کمتر شد. درونمایه نثر نیز که در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه، آزادی و آزادی خواهی، سنت شکنی و تجددخواهی بود، در این دوره با لحنی آرام‌تر ادامه یافت.

ویژگی‌های نثر

■ **سطح زبانی:** در نثر این دوره واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناآشنا کمتر می‌شود و به دلایل گوناگون بسیاری از لغات انگلیسی، ترکی، فرانسوی و ... به نثر فارسی وارد می‌شود و برخلاف نثر دوره‌های پیش، عبارت‌های وصفی دور و دراز و لفظ‌پردازی‌های بیجا در نامه‌ها و نوشته‌ها کاهش می‌یابد.

نثر این دوره ساده و قابل فهم است. در ساختار و ترکیب دستوری کلام نیز جمله‌ها درست‌تر و با طبیعت زبان هم‌آهنگ‌تر می‌شود.

■ **سطح ادبی:** نثر فارسی حتی پیش‌تر از شعر فارسی در دوره بیداری قید و بندهای نثر مصنوع و فنی را کنار می‌گذارد و گزارشی و ساده می‌شود.





صنایع ادبی از نثر جدا می‌شود و نثر در خدمت بیان خواست و آمال مردم به شکلی پویا ظاهر می‌گردد.

یکی از ضعف‌های تکنیکی در اغلب داستان‌های دوران مشروطه، حضور راوی سوم شخص در بعضی صحنه‌های داستان و سخن گفتن او با خواننده است که امروزه کاربرد چندانی ندارد. اکثر نویسندگان این دوره، داستان را مطابق ذوق عامه مردم می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنان مطابقت کاملی با ادبیات داستانی جدید نداشت.

■ **سطح فکری:** به طور کلی درون مایه‌هایی که برای شعر دوره بیداری بیان شد، در نثر نیز مورد توجه نویسندگان بوده است.

نثر در دوران مشروطه با ویژگی‌هایی چون نوگرایی، تجددخواهی و آزادی طلبی و با هدف تأثیر بر عامه مردم گسترش یافت؛ بنابراین محتوای انواع نثر، معطوف به همین درون مایه‌ها بود.

از شاخه‌های ارزنده‌ای که در نثر عصر بیداری چشم‌نواز است، طنز سیاسی-اجتماعی است. دشمنی با استعمار و استبداد نیز یکی از موضوعاتی بود که در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت.

بسیاری از نثرهای دوره بیداری به ویژه نثر داستانی به موضوع تنفر از خرافات می‌پردازد. حقوق مدنی زنان از جمله موضوعاتی است که در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی بسیار مورد توجه نویسندگان بوده است.

خود ارزیابی



۱ شعر زیر را در دو سطح ادبی و فکری بررسی کنید (از هر سطح دو مورد).

از مُلک ادب حکم‌گزاران همه رفتند	شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
آن گرد شتابنده که در دامن صحراست	گوید چه نشینی که سواران همه رفتند
داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو	کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند

افسوس که افسانه‌سرایان همه خفتند اندوه که اندوه‌گساران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران تنها به قفس ماند، هزاران همه رفتند
خون بار بهار از مژه در فرقت احباب کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

ملک الشعرا بهار

۲ این سروده را در قلمرو ادبی بررسی کنید.

گریه را به مستی بهانه کردم شکوه‌ها ز دست زمانه کردم
آستین چو از چشم برگرفتم سیل خون به دامن روانه کردم
از چه روی چون ارغنون ننالم؟ از جفایت ای چرخ دون ننالم
چون نگریم ز درد و چون ننالم دزد را چو محرم به خانه کردم؟

عارف قزوینی

۳ متن زیر از کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» را در دو سطح زبانی و فکری تحلیل کنید. «اگرچه ما در این تاریخ خود بیداری ایرانیان را از سال ۱۳۲۲ شروع کرده‌ایم، لکن اگر خیال خود را جمع کنیم و به نظر دقت و انصاف در تاریخ گذشتگان بنگریم، هر آینه به خوبی مشاهده می‌کنیم که در مجاری سنه ۱۲۶۵ بسیاری از امور و وقایع را که دلالت دارد بر بیداری ایرانیان و قدم گذاردن آنها به راه تمدن و باعث و مسبب آن را جز مرحوم میرزا تقی خان امیرنظام احدی را سراغ نداریم؛ چه آن بزرگ‌مرد از آن یگانه اشخاص بود که به قابلیت خود بدون اسباب و مساعدت خارجی از پستی به بلندی رسید. یعنی پسر آشپز قائم مقام بود و در اثنای کار و شغل، خویش را دارای رتبه و مقام صدارت نمود. دوست و دشمن او را از نوادر دهر شمردند و از خلقت‌های فوق‌العاده دانسته و کارهای امیرنظام از ترتیب و انتظام قشون و اصلاح کار دفتر و مالیه که خرج، دو کرور اضافه بر دخل بود و عمارت و مرمت خرابی‌های دیگر که به زودی محال می‌نمود و همه در یک دو سال صورت گرفت، گواه و دلیل بزرگی مرد است.»

ناظم الاسلام کرمانی

